



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی)

عنوان:

**بررسی تطبیقی جرایم مستوجب اعدام از دیدگاه
مذاهب پنجگانه اسلامی**

توسط:

علی سکینی

استاد راهنما:

دکتر طاهر علی محمدی

استاد مشاور:

کریم کوخانی زاده

بهمن ۱۳۹۱



به نام خدا

بررسی تطبیقی جرایم مستوجب اعدام از دیدگاه مذاهب پنجگانه اسلامی

توسط

علی سکینی

پایان نامه ارایه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت های لازم برای اخذ درجه
کارشناسی ارشد

در رشته:

الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی)

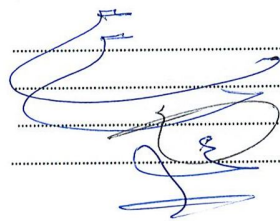
از دانشگاه ایلام

ایلام

جمهوری اسلامی ایران

در تاریخ ۹۱ / ۱۱ / ۳۰ توسط هیات داوران مورد ارزیابی و با درجه بسیارخوب به تصویب نهایی رسید.

دکتر طاهر علی محمدی (استاد راهنما و رییس هیات داوران).....
کریم کوخانی زاده (استاد مشاور).....
دکتر شمس اله سراج (استاد داور).....
دکتر عبدالجبار زرگوش نسب (استاد داور).....



بهمن ۱۳۹۱

اظهار نامه دانشجو

موضوع پایان نامه: بررسی تطبیقی جرایم مستوجب اعدام از دیدگاه مذاهب پنجگانه اسلامی

استاد راهنما: دکتر طاهر علی محمدی

نام دانشجو: علی سکینی

شماره دانشجویی: ۸۹۱۳۸۲۵۰۲

اینجانب علی سکینی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی) دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام گواهی می‌نمایم که تحقیقات ارائه شده در این پایان نامه توسط شخص اینجانب انجام شده و صحت و اصالت مطالب نگارش شده مورد تأیید می‌باشد، و در موارد استفاده از کار دیگر محققان به مرجع مورد استفاده اشاره شده است. بعلاوه گواهی می‌نمایم که مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب یا فرد دیگری در هیچ جا ارائه نشده است و کلیه حقوق معنوی این اثر به دانشگاه ایلام تعلق دارد. مقالات مستخرج از پایان نامه، ذیل نام دانشگاه ایلام (Ilam University) به چاپ خواهد رسید. و در تدوین متن پایان نامه چارچوب (فرمت) مصوب دانشگاه را بطور کامل رعایت کرده‌ام.



امضاء دانشجو:

تاریخ: ۹۲/۰۴/۱۰

تقدیم:

اکنون که پروردگار هستی بخش ما را به طریق علم و دانش راهنمایی نموده و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان کرده و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخته است، در کمال افتخار و امتنان این پایان نامه را تقدیم می نمایم به:

ساحت مقدس ولی عصر امام مهدی (عج) ارواحنا له الفداء و نایب بر حقش حضرت آیه الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) و امام فقید و رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) و شهیدان صدر اسلام تا کنون.

به **اساتید ارجمندم** که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی های کار ساز و سازنده بارور ساختند.

به **همسر عزیزم** آن سایبان عشق و آرامش و تکیه گاه امن و آسایش و برترین آموزگار خوش بینی و امید من در دوران تحصیل و به پاس قدر دانی از قلبی آکنده از عشق و معرفت که محیطی سرشار از سلامت و امنیت و آرامش و آسایش برای من فراهم آورده است.

به نو گل های عزیزم و امید روزهای آینده ام **افسانه، ریحانه و محمد حسین** که صبورانه و صادقانه من را همراهی نمودند تا بتوانم در کمال آرامش و آسایش به تهیه و تنظیم پایان نامه بپردازم. و تقدیم به همه کسانی که به نوعی مرا در به انجام رساندن این مهم یاری نموده اند.

سپاسگزاری

سپاس و ستایش مر خدای را جل جلاله که آثار قدرت او بر چهره روز روشن، تابان است و انوار حکمت او در دل شب تار، درفشان. آفریدگاری که خویشتن را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان، بنده ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت بیازماید و اوست که به من آموخت :

(من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق)

لذا از استاد فرهیخته و فرزانه **جناب آقای دکتر علی محمدی** بسیار سپاسگزارم چرا که بدون راهنماییهای ایشان تاامین این پایان نامه بسیار مشکل می نمود. از **جناب آقای کوخانی زاده** به دلیل یاریها و مشاوره های بی چشمداشت ایشان که بسیاری از سختیها را برایم آسانتر نمود، قدردانی می نمایم.

از اساتید فرزانه و دلسوز **جناب آقای دکتر زرگوش نسب** و **جناب آقای دکتر سراج** که داوری این پایان نامه را قبول نمودند، تشکر می نمایم.

از **همسر و نوگل های عزیزم** که در تمام مراحل زندگی، یار و یاور من بوده و محیطی سرشار از آرامش را برای تحصیل فراهم نمودند، سپاسگزارم.

در آخر از تمامی کسانی که به طریقی مرا در انجام این پایان نامه همراهی نمودند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

چکیده:

مجازات اعدام از دیر باز و همزمان با پیدایش اجتماعات انسانی وجود داشته است و در اسلام نیز برای برخی از جرایم وجود دارد. در حقوق اسلامی، جرایم مستوجب اعدام را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: جرایمی که موجب قتل عمد می‌شود و جرایم حدی که شارع مقدس در کتاب یا سنت مجازات خاصی بنام حدود را برای آنها تعیین کرده و قاضی نمی‌تواند از محدوده آن مجازات خارج شود، بلکه باید دقیقاً طبق همان دستور و در چارچوب همان قانون، مجازات را اعمال نماید و تکرار جرایم حدی و تعزیری خاصی که طبق نظر برخی از فقها و حقوق‌دانان اسلامی مستوجب اعدام است. مجازات قتل عمد و جرایم حدی با اختلافاتی مورد قبول فقهای مذاهب پنجگانه اسلامی می‌باشد، ولی اینکه تکرار جرایم حدی و تعزیری مستوجب اعدام باشد، فقط اختصاص به فقه امامیه دارد. در این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته به بررسی دیدگاه فقهای مذاهب پنجگانه اسلامی و دلایلشان پرداخته و با تطبیق بر قانون مجازات اسلامی، مواردی از آن را به نقد کشیده است.

کلید واژه: اعدام، قصاص، جرایم حدی، عمد، جرایم جنسی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
	فصل اول: کلیات تحقیق و مفاهیم
۴	۱-۱. شرح و بیان مسأله پژوهشی.....
۴	۱-۲. اهداف تحقیق.....
۴	۱-۲-۱. هدف کلی.....
۴	۱-۲-۲. اهداف جزئی.....
۴	۱-۳. اهمیت و کاربرد نتایج تحقیق.....
۵	۱-۴. پیشینه علمی موضوع تحقیق.....
۶	۱-۵. سؤالات تحقیق.....
۶	۱-۶. روش تحقیق.....
۶	۱-۷. مفاهیم.....
۶	۱-۷-۱. قصاص.....
۷	۱-۷-۲. حد.....
۸	۱-۷-۳. محاربه.....
۹	۱-۷-۴. ارتداد.....
۱۰	۱-۷-۵. احسان.....
	فصل دوم: قصاص
۱۲	۲-۱. تاریخچه مجازات اعدام در ادیان آسمانی.....
۱۲	۲-۱-۱. دین یهود.....
۱۴	۲-۱-۲. مسیحیت.....
۱۵	۲-۱-۳. دین زرتشت.....
۱۶	۲-۱-۴. اسلام.....

۱۷.....	۲-۲. قصاص.....
۱۸.....	۲-۲-۱. قصاص در فقه امامیه.....
۲۷.....	۲-۲-۲. قصاص در فقه حنفیه.....
۲۹.....	۲-۲-۳. قصاص در فقه مالکیه.....
۳۱.....	۲-۲-۴. قصاص در فقه شافعیه.....
۳۳.....	۲-۲-۴. قصاص در فقه حنبلیه.....
۳۵.....	۲-۲-۵. جمع بندی.....

فصل سوم: جرایم حدی مستوجب اعدام

۳۸.....	۳-۱. انواع جرایم حدی.....
۳۹.....	۳-۲. جرایم جنسی مستوجب اعدام.....
۴۳.....	۳-۲-۱. جرایم جنسی مستوجب اعدام در فقه امامیه.....
۵۵.....	۳-۲-۲. جرایم جنسی مستوجب اعدام در فقه حنفیه.....
۵۶.....	۳-۲-۲. جرایم جنسی مستوجب اعدام در فقه مالکیه.....
۵۷.....	۳-۲-۳. جرایم جنسی مستوجب اعدام در فقه شافعیه.....
۵۸.....	۳-۲-۴. جرایم جنسی مستوجب اعدام در فقه حنبلیه.....
۶۰.....	۳-۲-۵. جمع بندی.....
۶۲.....	۳-۳. جرایم علیه دین و امنیت اجتماعی.....
۶۲.....	۳-۳-۱. محاربه.....
۶۴.....	۳-۳-۱-۱. محاربه در فقه امامیه.....
۷۳.....	۳-۳-۱-۲. محاربه در فقه حنفیه.....
۷۵.....	۳-۳-۱-۳. محاربه در فقه مالکیه.....
۷۶.....	۳-۳-۱-۴. محاربه در فقه شافعیه.....
۷۷.....	۳-۳-۱-۵. محاربه در فقه حنبلیه.....
۷۸.....	۳-۳-۱-۶. جمع بندی.....
۷۹.....	۳-۳-۲. ارتداد.....
۸۴.....	۳-۳-۲-۱. ارتداد در فقه امامیه.....

- ۸۴.....۱-۱-۲-۳-۳. مرد مرتد فطری.
- ۸۶.....۲-۱-۲-۳-۳. مرد مرتد ملی.
- ۸۸.....۳-۱-۲-۳-۳. زن مرتد فطری و ملی.
- ۸۹.....۲-۲-۳-۳. ارتداد در فقه حنفیه.
- ۹۰.....۳-۲-۳-۳. ارتداد در فقه مالکیه.
- ۹۲.....۴-۲-۳-۳. ارتداد در فقه شافعیه.
- ۹۳.....۵-۲-۳-۳. ارتداد در فقه حنبلیه.
- ۹۵.....۶-۲-۳-۳. جمع بندی.

فصل چهارم: اعدام برای تکرار جرایم

- ۹۸.....۱-۴. تکرار جرایم بعد از سه یا چهار مرحله.
- ۹۸.....۱-۱-۴. در فقه امامیه.
- ۱۱۱.....۲-۱-۴. در فقه حنفیه.
- ۱۱۲.....۳-۱-۴. در فقه مالکیه.
- ۱۱۳.....۴-۱-۴. در فقه شافعیه.
- ۱۱۴.....۵-۱-۴. در فقه حنبلیه.
- ۱۱۵.....۶-۱-۴. جمع بندی.
- ۱۱۶..... نتیجه گیری.
- ۱۲۴..... منابع و مآخذ.

مقدمه

بی شک حق حیات و زندگی با ارزش ترین و بزرگ ترین نعمتی است که پروردگار هستی بخش به مخلوقات خویش ارزانی داشته و چنان برای آن ارزش و احترام قائل است که سلب بدون مجوز آن را همانند سلب حیات تمام مردم دنیا می داند، حتی از این نیز فراتر رفته و به خود ذیحق هم اجازه سلب چنین حقی را نداده است. چنانکه خودکشی و انتحار از مذموم ترین اعمال و بزرگ ترین گناهان به شمار می رود.

با وجود ارزش و احترامی که هم در شرع مقدس اسلام و هم در سایر ادیان و مذاهب رایج دنیا برای حیات اشخاص قائل شده اند، گاهی از اوقات بدلیل اعمال ناشایست و پلیدی که برخی از اعضای جامعه مرتکب می شوند، این حق از ایشان سلب گردیده و اخذ جان آنها و اجرای اعدام تجویز می گردد.

در خصوص این حکم سؤالاتی مطرح است؛ از قبیل اینکه آیا حکم اعدام در جرایم مستوجب اعدام زمینه فقهی دارد؟ آیا نگاه فقهای مذاهب پنجگانه اسلامی به جرایم مستوجب اعدام یکی است؟ آیا شروط قصاص در نزد فقهای امامیه و چهار مذهب اهل سنت یکسان می باشد؟ آیا از نگاه فقهای مذاهب پنجگانه اسلامی، فقدان شروط قصاص، قبل و بعد از قتل و همچنین قبل و بعد از محاکمه و اجرای حکم، در مجازات مجرم تاثیرگذار است؟ نگاه فقهای مذاهب پنجگانه اسلامی به حکم اعدام، در تکرار جرایم حدی و تعزیری چگونه است؟ سؤالاتی از این دست و اختلافاتی که در این خصوص وجود دارد، از یک سو و ضرورت اثبات شرعی بودن حکم اعدام در دین مقدس اسلام از دیگر سو، اهمیت و ضرورت انجام پژوهشی جامع و تطبیقی میان دیدگاه های فقها در مذاهب پنجگانه اسلامی را روشن می سازد. لذا در این نوشتار جرایم مستوجب اعدام را از دیدگاه مذاهب پنجگانه اسلامی، بررسی کرده ایم.

این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی موضوع را بررسی کرده، از لحاظ ساختاری به پنج فصل تقسیم شده است:

در فصل اول، کلیات تحقیق و مفاهیم آمده است. در فصل دوم به تاریخچه مجازات اعدام در ادیان مختلف آسمانی و قصاص، در فصل سوم به جرایم حدی مستوجب اعدام و در فصل چهارم به اعدام در صورت تکرار جرایم حدی و تعزیری پرداخته ایم. در پایان به نتیجه گیری از مباحث این

تحقیق همت گمارده شده است. امید است که این تحقیق، مورد رضایت خداوند متعال قرار گرفته باشد.

فصل اول

کلیات تحقیق و مفاهیم

۱-۱. شرح و بیان مسأله پژوهشی

مجازات جرایمی که کمیت و کیفیت آن‌ها از سوی شارع مشخص شده است، عموماً جنبه حق‌اللّهی دارد و در صورت اثبات جرم در نزد حاکم، در اکثر موارد قابل عفو و اسقاط نبوده و حتی تأخیر در اجرای آن‌ها نیز جایز نیست. یکی از این جرایم، حکم اعدام است که شدیدترین نوع مجازات محسوب می‌شود. این پژوهش به دنبال آن است که مستندات فقهی مجازات اعدام را در مذاهب پنجگانه اسلامی مورد بررسی قرار دهد. در ضمن بررسی این موضوع، روشن خواهد شد که نقاط مشترک و احیاناً نقاط افتراق مذاهب پنجگانه اسلامی در چه مواردی است.

۱-۲. اهداف تحقیق مورد نظر

۱-۲-۱. هدف کلی

شناخت جرایم مستوجب اعدام در مذاهب پنجگانه اسلامی و دستیابی به نقاط اشتراک و افتراق آنان.

۱-۲-۲. اهداف جزئی

- ۱- آگاهی از مستندات حکم اعدام از دیدگاه فقهای مذاهب پنجگانه اسلامی.
- ۲- دستیابی به فتاوی مشهور امامیه که مورد استناد قانون مجازات اسلامی می‌باشد.
- ۳- آگاهی از عامل انتخاب نوع حد در محاربه.

۱-۳. اهمیت و کاربرد نتایج تحقیق

در نظام حقوقی اسلام، حفظ جان، مال و ناموس افراد و برقراری امنیت در جامعه، در اولویت قرار دارد و هر کسی این حقوق را از افراد سلب کند، مشمول مجازاتی خواهد شد که شدیدترین آنها اعدام است. از آنجا که موضوع مجازات اعدام در قوانین موضوعه، جاری و ساری است، می‌خواهیم به بیان مستندات آن پردازیم. با توجه به اینکه تا کنون این موضوع به صورت تطبیقی و جامع بررسی نشده است، می‌طلبید که در مورد آن، پژوهشی در خور، انجام پذیرد تا دیدگاه مذاهب پنجگانه اسلامی در مسأله به خوبی روشن گردد.

نتیجه این تحقیق می‌تواند در شرح مواد قانونی مورد استفاده قضات، حقوقدانان، و کلا و همچنین، اساتید و دانشجویان فقه و حقوق قرار گیرد و فتح بابی برای ورود بیشتر اندیشمندان،

قضات، طلاب و دانشجویان باشد. همچنین مؤسسات مطالعاتی و تحقیقاتی علوم جزایی و جرم‌شناسی و حوزه‌های علمیه نیز می‌توانند از این پژوهش بهره‌مند شوند.

۴-۱. پیشینه علمی موضوع تحقیق

در باره جرایم مستوجب اعدام اثری که مفصلاً و به صورت تطبیقی بین مذاهب پنجگانه اسلامی به جرایم مستوجب اعدام پرداخته باشد، تدوین نشده است. البته در برخی از کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات، بعضی از این گونه جرایم مورد بررسی قرار گرفته‌اند، که از جمله آن‌ها:

- کتاب بررسی تطبیقی ارتداد از نظر فقه شیعه و مذاهب اربعه، محمود رضا فروحی، زنجان، نیکان کتاب، ۱۳۸۱ ش.

- کتاب زنا و قصاص در حقوق جزای اسلام، علی موگوئی، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۱ ش.

- پایان‌نامه بررسی تطبیقی حدود (زنا، لواط، سحر، قیادت، وطی بهایم و استمنا)، کارشناسی ارشد گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، توسط شعبان حق پرست، با راهنمایی دکتر علیرضا فیض، دانشکده الهیات - دانشگاه تهران، ۱۳۶۹ ش.

- مقاله بررسی تطبیقی شروط قصاص نفس در مذاهب امامیه و حنفی، عبدالحمید خسروی و عبدالرحیم تاجیک، فصلنامه فروغ وحدت، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۱ ش.

- مقاله مطالعه تطبیقی در زمینه ارتداد و احکام و آثار آن، مرتضی رحیمی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره پانزدهم شماره دوم و دوره شانزدهم شماره اول، بهار و پاییز ۱۳۷۹ ش.

فقهای عظام نیز در لا به لای کتب خود و با توجه به مذهبی که خود داشته‌اند، به این موضوع پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، شهید ثانی در مسالک الافهام می‌گوید: «هرکس در غیر از شهرها سلاح بکشد و بزند و زخمی کند و مالی را ببرد حتی اگر کسی را نکشد او محارب است و مجازات آن مجازات محارب خواهد بود. تعیین نوع مجازات به دست امام است. اگر بخواهد او را می‌کشد و یا او را به دار می‌آویزد یا دست و پای او را قطع می‌کند».^۱ جزیری در الفقه علی المذاهب الاربعه نیز می‌گوید: «ترمذی از عثمان روایت می‌کند که خون انسان حلال نمی‌شود مگر در سه مورد: زنا بعد احصان، ارتداد بعد اسلام و قتل نفس».^۲

۱- جبعی عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۱۱/۱۵.

۲- جزیری، عبدالرحمن؛ غروی، محمد و یاسر مازح، الفقه علی مذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت وفقاً لمذهب اهل البيت (ع)، ۸۹/۵.

۵-۱. سؤالات تحقیق

- ۱- چه جرایمی مستوجب اعدام می‌باشند؟
- ۲- مستندات مذاهب پنجگانه اسلامی در هر یک از جرایم مستوجب اعدام چیست؟
- ۳- فقهای امامیه و چهار مذهب اهل سنت، چه اشتراک و افتراقی، در جرایم مستوجب اعدام دارند؟
- ۴- فتاوی‌ مشهور امامیه که در موضوع اعدام، مورد استناد قانون مجازات اسلامی قرار گرفته است، چیست؟
- ۵- آیا انتخاب نوع حد در محاربه با توجه به نوع جرم است یا انتخاب آن به دست قاضی می‌باشد؟

۶-۱. روش تحقیق

این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام می‌پذیرد؛ به این صورت که پس از شناسایی و گردآوری منابع مورد نیاز، به مطالعه مباحث منتخب و فیش‌برداری اقدام می‌شود و در نهایت با دسته‌بندی و تحلیل مطالب به نگارش پایان نامه اقدام خواهد شد.

۷-۱. مفاهیم

۱-۷-۱. قصاص

قصاص در لغت به معنای تقاص، مقابله به مثل و تلافی است. فراهیدی می‌گوید:

«قصاص یعنی تقاص کردن در جراحات و حقوق، یکی پس از دیگری است»^۱.

در جای دیگر آمده:

«قصاص عبارت است از تلافی و آن کشتن در مقابل کشتن و ایراد جراحت در مقابل جراحت است»^۲.

در معنای اصطلاحی نیز، قصاص به معنای مقابله به مثل در مواردی خاص می‌باشد. شهید ثانی

در تعریف قصاص می‌نویسد:

«قصاص - به کسر قاف - اسم است برای استیفای مثل جنایت که ممکن است قتل یا قطع یا

ضرب یا جرح باشد و اصل آن پی‌گیری اثر چیزی است»^۳

۱ - فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ۱۰/۵.

۲- ابن منظور، ابوالفضل، لسان العرب، ۷۶/۷.

۳- شهید ثانی، الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۱۱/۱۰.

تعاریف فقهای اهل سنت، در معنای قصاص به تعاریف فقهای امامیه نزدیک است، گرچه تعبیرات آن‌ها متفاوت است. جزیری پس از تعریف لغوی قصاص می‌گوید:

«گویا قاتل طریقی از قتل را پیموده که شخص قصاص کننده آن طریق را دنبال کرده و همان مسیر را پیموده است»^۱.

۲-۷-۱. حد

حد در لغت به معنای ادب کردن گناه کار است، به وسیله چیزی که او و غیر او را از گناه باز دارد.^۲ همچنین در جایی آمده است:

«حدّ پرده و مانع بین دو چیز است تا یکی از آن دو، با دیگری مخلوط نشود یا یکی از آن دو به دیگری تعدّی نکند... و حد، دفع و منع... و حد، تأدیب مجرم است، مانند سارق و زناکار و غیر این دو؛ همچنین حد، وسیله‌ای است که مجرم را از ارتکاب مجدد جرم بازدارد و همین‌طور دیگران را از ارتکاب این جرم‌ها منع نماید»^۳.

در اصطلاح، عقوبتی را حد گویند که برای وارد کردن درد و رنج بر بدن به کار گرفته می‌شود و شارع کمیّت آن را معین کرده است.^۴ محقق حلی می‌گوید:

«هر آن چه - از جرایم - که دارای عقوبت مقدر و معینی است حد نامیده می‌شود»^۵.

همچنین نجفی با توضیح بیش‌تری، حد را تعریف می‌کند:

«حد مجازات خاصی است که به سبب ارتکاب معصیت خاصی بوسیله مکلف بر جسم و بدن وی وارد می‌شود و این مجازات به گونه‌ای است که شارع کمیّت آن را در تمامی معاصی معین مشخص کرده است»^۶.

عبدالقادر عوده در تعریف و توضیح حد، علاوه بر معین بودن، به حق‌الله بودن آن نیز نظر دارد، وی می‌گوید:

«حد، مجازات معینی است که حق خداوند متعال است، اما معنای مجازات معین این است که

این مجازات محدود و معین است و در نتیجه میزانی کم‌تر یا بیش‌تر از مقدار تعیین شده برای آن وجود

۱- جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ۲۴۶/۵.

۲- فیروز آبادی، محمدبن یعقوب، قاموس المحيط، ۲۹۶/۱.

۳- حسینی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۶-۷/۸.

۴- سیوری، مقدادبن عبدالله، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ۳۲۷/۴.

۵- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۱۴۷/۴.

۶- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۲۵۴/۴۱.

ندارد و حق الله بودن آن نیز بدین معناست که این مجازات نه از ناحیه افراد و نه از ناحیه جامعه قابل اسقاط نیست»^۱.

شبهه همین تعریف را جزیری آورده و در آن به هر دو عنصر معین بودن و حق الله بودن، اشاره می‌کند.^۲ ماوردی نیز در توضیح حد، مطالبی را مطرح کرده که قابل توجه است، وی می‌گوید:

«حدود، اقدامات باز دارنده‌ای هستند که خداوند متعال برای جلوگیری از ارتکاب آن‌چه منع کرده و ترک آن‌چه واجب کرده، وضع کرده است؛ زیرا در طبیعت انسانی شهواتی وجود دارند که در مقابل لذت‌های فعلی، نفس را از تهدیدهای اخروی باز می‌دارد، لذا خداوند، حدود باز دارنده‌ای را وضع کرده تا به وسیله آن افراد جاهل را با تهدید به درد و مجازات و از بین رفتن آبرو، از ارتکاب گناه باز دارد و بدین وسیله محرماتی که خداوند از آن‌ها جلوگیری کرده، ممنوع و واجباتی که به آن‌ها امر نموده، پیروی گردند»^۳.

۳-۷-۱. محاربه

برخی لغت نویسان پس از اینکه گفته‌اند، «حَرْب» این است که از شخص مالش سلب شود، معنای واضح‌تری را ذکر کرده و نوشته‌اند:

«حَرْب، غضب مال انسان و ترک آن شخص به گونه‌ای که هیچ چیزی برایش نماند»^۴.

در «اقراب الموارد» نیز آورده است:

«حَرْب به این معنا است که مالش را اخذ کرد و او را بدون چیزی ترک نمود»^۵.

در اصطلاح، سلاح کشیدن برای قطع طریق، راهزنی و ناامنی راه‌ها را محاربه گویند.^۶ ابن براج می‌گوید:

«هر کسی از اهل ریه که در خشکی یا دریا و در شهر یا غیر شهر از سرزمین اسلام یا شرک،

شب یا روز اسلحه بکشد، محارب است»^۷.

۱- عوده، عبدالقادر، التشریح الجنائی الاسلامی، ۷۸-۷۹/۱.

۲- جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ۷/۵.

۳- ماوردی، علی بن محمد، الاحکام السلطانیه، ۲۲۱.

۴- ابن منظور، لسان العرب، ۳۰۳/۱.

۵- خوری الشرتونی، سعید، اقراب الموارد، ۱۷۵/۱.

۶- طوسی، محمدبن حسن (شیخ طوسی)، المبسوط فی فقه الامامیه، ۴۷/۸ و فیض کاشانی، مولی محسن، مفاتیح الشرائع، ۹۹.

۷- طرابلسی (ابن براج)، قاضی عبدالعزیز، المهذب، ۵۵۳/۲.

علامه حلی در تعریف محارب آورده است:

«هر کسی که برای ترساندن مردم در خشکی یا دریا، شب یا روز، در شهر یا غیر شهر اسلحه بکشد، محارب است»^۱.

از فقهای اهل سنت، قرطبی در تعریف محارب می گوید:

«خروج برای اخذ مال به طریق مغالبه، هرگاه موجب اخافه سیل، اخذ مال یا قتل انسان شود، محاربه است»^۲.

در جایی دیگر آمده:

«محاربه، تظاهر برای اخذ مال یا قتل و یا ارباب مستکبرانه با تکیه بر قدرت و شوکت با بُعد از یاری رساندن می باشد»^۳.

۴-۷-۱. ارتداد

ارتداد و رده در لغت، رجوع و بازگشت به راهی است که شخص آن را پیموده، منتها رده، تنها در مورد کفر به کار می رود و ارتداد در مورد کفر و غیر آن نیز بکار خواهد رفت.^۴

ابن حماد در تعریف ارتداد می گوید:

«ارتداد به معنی بازگشت می باشد»^۵.

ابن منظور نیز آورده است:

«رده به معنای رجوع است»^۶.

در اصطلاح ارتداد به معنای بازگشت از دین می باشد. محقق حلی در تعریف مرتد می گوید:

«او کسی است که پس از اسلام کافر شده باشد»^۷.

امام خمینی تعریفی شبیه تعریف محقق دارد که در آن می گوید:

«مرتد کسی است که از اسلام خارج شده و کفر را اختیار نماید»^۸.

۱- حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی)، ارشاد الأذهان الی احکام الایمان، ۱۸۶/۲.

۲- قرطبی، محمد بن رشد، بدایه المجتهد ونهایه المقتصد، ۴۵۸/۲.

۳- عوده، التشریح الجنائی الاسلامی، ۶۴۰/۲.

۴- اصفهانی، راغب، معجم مفردات الفاظ القرآن، ۱۹۸.

۵- جواهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح-تاج اللغه و صحاح العربیه، ۴۷۳/۲.

۶- ابن منظور، لسان العرب، ۱۷۳/۳.

۷- محقق حلی، شرائع الاسلام، ۱۸۳/۴.

۸- خمینی (امام)، روح الله، تحریر الوسیله، ۳۶۶/۲.

ابن قدامه نیز در تعریف مرتد می گوید:
«او کسی است که از دین اسلام به کفر رجوع کرده است»^۱.

۵-۲-۱. احسان

احسان در لغت از ماده «حصن» و به معنای بازداشتن می باشد.^۲ در اصطلاح فقهی، شخصی را محصن گویند که دارای همسر باشد و هر وقت بخواهد، بدون هیچ مانعی بتواند با او هم‌بستر شود.^۳ همچنین احسان در اصطلاح فقهی، به معنای عفت و پاک‌دامنی نیز آمده است؛ یعنی زنی که به سبب شوهردار بودن یا به خاطر داشتن حیا، خود را از بی‌عفتی حفظ کند، مُحصنه گویند که اگر معنای فاعلی آن را در نظر بگیریم به این معناست که خود را از بی‌عفتی باز می‌دارد و اگر معنای مفعولی آن مد نظر باشد به این معناست که زن به وسیله شوهر از بی‌عفتی بازداشته می‌شود.^۴

معنای مصطلح فقهی احسان در چهار مفهوم و معنای پاکدامنی به سبب زوجیت، عفت، حریت و اسلام کاربرد دارد.^۵

ابن قدامه نیز هفت شرط نزدیکی در فرج، نزدیکی بوسیله نکاح، صحیح بودن نکاح، آزاد بودن، بلوغ، عقل و دارای کمال بودن در زمان نزدیکی را برای احسان لازم می‌داند.^۶

۱- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، ۷۴/۱۰.

۲- فراهیدی، العین، ۱۸/۳ و ابن منظور، لسان العرب، ۱۱۹/۱۳.

۳- طوسی، محمد بن علی، الوسیله الی نیل الفضیله، ۳۱۵ و شریف مرتضی، علی بن حسین، الانتصار فی انفرادات الامامیه، ۵۲۱.

۴- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ۱۵۰/۲-۱۴۹.

۵- ر.ک: شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۶۴/۳-۱۶۳.

۶- ابن قدامه، همان، ۱۲۸/۱۰-۱۲۶.